

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com

ایسکرا

۸۱۰

Tel: ۰۰۴۹۷۲۰۰۷۷۶۵۴ تاشن تماس با ما

۲۵ آذر ۱۳۹۴، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۵

سردبیر عبدالگیریان

بحران خاورمیانه از جنگ نیابتی تا جنگ مستقیم سوریه به مرکز ثقل تحولات خاورمیانه تبدیل شده است



محمد آسنگران

تصمیم پارلمان انگلیس و پارلمان آلمان مبنی بر مجوز دخالت ارتش این دو کشور در سوریه و عراق برای "مقابله با داعش" فقط ظاهر دلایل این تصمیم و سیاست است. در حقیقت موضوع اصلی رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای با همدیگر است که این دو کشور را به این قناعت رسانده است که در بحران خاورمیانه مستقیم و با اتکا به نیروی نظامی خود دخالت کنند. اگر روسیه مستقیم به سوریه لشکر کشی نمیکرد و اسد در موقعیت قویتری قرار نمیگرفت و

صفحه ۲

انسانیت بر توحش پیروز میشود، شاید باید گفت انسانیت بر اسلامیت پیروز میشود.

این روزها و این سالها هرکس به افغانستان و عراق و ایران و لیبی و سوریه فکر کند و پشت ماجراها را ببیند به این نتیجه میرسد که مردم این کشورها متحجر و اسلامی و عقب مانده اند. از این کشرها داعش و القاعده و جمهوری اسلامی و طالبان و هزار کوفت و زهر مار دیگر



کازم نیکخواه

صفحه ۲

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

حکومت انجام شود". این اظهارات در حالی بیان می شود که اتحادیه میهنی در تلاش بود تا با میانجیگری خود بتواند به حکومت قومی مذهبی ۵ حزب حاکم به توافقاتی برسند. لازم به ذکر است که اختلافات احزاب حاکم ابتدا بر سر ریاست مسعود بارزانی

صفحه ۶

اظهارات عضو رهبری حزب دمکرات در باره حکومت اقلیم!

روز ۱۴ دسامبر علی حسین عضو رهبری حزب دمکرات کردستان عراق در مصاحبه ای با کانال ان آر تی در باره اختلافات احزاب حاکم اعلام کرد که: "حکومت شکست خورده و جریانات نمی توانند با هم به توافق برسند و باید توافقات جدیدی برای تشکیل

کارگران سه پتروشیمی در ماهشهر و عسویه نیز زنجیره انسانی تشکیل دادند

شرکت پتروشیمی امیرکبیر و کارگران پتروشیمی هلدینگ خلیج فارس نیز امروز با حضور در محوطه سایت ۴ پتروشیمی خلیج فارس دست به زنجیره انسانی زدند تا به وضعیت شغلی خود اعتراض کنند. لازم به توضیح است که استانداری خوزستان اخیراً در بخشنامه ای هر نوع تجمع اعتراضی

صفحه ۳

صبح روز ۲۴ آذرماه، حدود یکصد نفر از کارکنان رسمی شرکت پتروشیمی مبین مقابل ساختمان مرکزی این واحد پتروشیمی تجمع کردند. اعتراض کارگران به وضعیت ناامن شغلی و حذف برخی مزایای خود میباشد. کارگران همچنین به آلودگی شدید هوای منطقه عسویه اعتراض دارند.

حدود ۸۰ نفر از کارکنان رسمی

بدنم را زیر لگد و شکنجه خورد کردند، راه رفتن را به نوزادم در زندان آموختم



منیژه صادقی

زندان آموختم، بله مادری زحمتکش که دیدن هر لحظه نوزادم در چهار دیواری زندان برایم مرگی بود ولی تسلیم نشدم. از گریه نوزادم برای اذیت و آزار من شکنجه پدر بیمارم که در سلول بغلی بود استفاده میکردند تا تسلیم شویم.

صفحه ۶

پیام منیژه صادقی به همه کسانی که برای آزادی وی و دیگر زندانیان سیاسی تلاش کردند و صدای زندانیان سیاسی در بند هستند. من زنی زحمتکش و مادری که همراه با نوزاد چند ماهه ام در زندان بودیم و راه رفتن را به نوزادم در

رفتار با صدرا چهار ساله نمونه ای از سیستم پزشکی بیرحم و گنبدگی و جنایتکاری حکومت اسلامی است

که «احساسات تمام مردم و رسانه ها درمورد این فاجعه را جریحه دار شده و وزیر بهداشت طی مصاحبه ای در این خصوص از وقوع این جریان ابراز تاسف کرده است.» «اما این يك اتفاق ساده نیست. این عمق سیستم بیرحم پزشکی در جمهوری اسلامی و عمق ماهیت ضد انسانی حکومت را بخوبی عیان میکند.

رسانه های جمهوری اسلامی از

صفحه ۵

اوایل هفته گذشته صدرا زاهدپور پسر بچه چهارساله ای که به دلیل جراحت چانه به بیمارستان اشرافی اصفهانی واقع در خمینی شهر مراجعه می کند، بدلیل عدم توان مالی خانواده اش برای پرداخت هزینه بخیه، پزشک معالج پس از بخیه زدن بر روی زخم صورت این کودک، دستور بازکردن بخیه را می دهد و این کودک را با چانه شکافته و خونین رها می کند. رسانه های جمهوری اسلامی اعتراف میکنند

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینان، نسرین رضاعلی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ بحران خاورمیانه ...

روند اوضاع طوری بود که بشاراسد وادار به کناره گیری میشد و دولتهای غربی هم بدون لشکر کشی مستقیم، میتوانستند اهداف خود را تعقیب کنند و در جنگ نیابتی دست بالا را داشته باشند، لزومی به تعجیل و دخالت نظامی مستقیم نداشتند ۱*..

اما برخلاف توقع دولتهای غربی و آمریکا روسیه با دخالت خود در سوریه روند اوضاع را به نفع خود و متحدینش در منطقه تغییر داد. در مدت کوتاهی بیشترین ضربه را به نیروهای مخالف اسد زد. چنانچه در کمتر از دو ماه ضرباتی به داعش زد که موثرتر از ضربات يك سال گذشته دولتهای متولف به رهبری آمریکا بود.

جلی بودن و قاطعیت روسیه در جنگ سوریه، آمریکا و دولتهای غربی را ناچار کرد تغییری در سیاست خود بوجود بیاورند. دول غرب متوجه این واقعیت شدند که نیروهای درگیر در سوریه و دولتهای متحد منطقه ای شان دچار تردید های بیشتری نسبت به توانایی آمریکا و غرب شده اند. بویژه در این شرایط عملیات تروریستی داعش در پاریس هم اتفاق افتاد. اگر دولتهای غربی تکانی نمیخوردند و به سبک ساهلای گذشته منتظر نتایج جنگ نیابتی در سوریه و عراق میشدند، دست را به روسیه باخته بودند. بنابراین این دخالت دولت آلمان و انگلیس و تصمیم دولت آمریکا به اعزام نیروی ویژه نظامی در جنگ با داعش، تلاش برای تغییر تعادل قوایی است که روسیه به نفع خود متحول کرده است.

با توجه به همین مولفه بود که ترکیه هم با ایجاد يك پایگاه نظامی جدید در نزدیک موصل وسط دعوا میخواهد نرخ تعیین کند. دولت بغداد ضمن مخالفت و اولتیماتم ۴۸ ساعته به ترکیه غیر مستقیم گفته است از روسیه میخواهد نیروی نظامی به عراق بفرستد.

بنابر این میتوان گفت که بحران خاور میانه امروز با محوریت "مقابله با داعش به مرحله حساس و خطرناکی رسیده است.

اگر تا دیروز گفته میشد که در سوریه جنگ نیابتی در جریان است، امروز باید گفت که در سوریه و عراق

جنگ از مرحله نیابتی دارد وارد مرحله دخالت مستقیم قدرتهای جهانی و دولتهای منطقه ای میشود. این تحول خطر ناکی است و میتواند رودرویی مستقیم این دولتها را به دنبال داشته باشد. چنانچه سرنگونی هواپیمای روسی اولین نشانه های آن محسوب میشود.

بحران خاورمیانه نه با داعش آغاز شده است و نه محدود به سوریه و عراق است. حضور داعش و استراتژی داعش هم نه محدود به این دو کشور است و نه شکستش در این دو کشور پایان تروریسم اسلامی و جنگ و خونریزی و قساوت و ویرانی کشورهای منطقه است..

اما امروز سوریه و عراق به میدان رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای تبدیل شده اند. وجود داعش فقط يك فاکتور از سناریوی سیاهی است که در این کشورها به آن توجه میشود. اما مولفه های دیگری مانند نقش مخرب جمهوری اسلامی و جریانات اسلامی دیگر مانند حزب الله و جبهه النصره و احرار الشام و ارتش آزاد و حوثیها و القاعده و طالبان و بوکوحرام و حماس و... هر کدام فاکتورهایی هستند که میتوانند سالها آتش جنگ در این منطقه را شعله ور نگهدارند..

چنانچه ساهلای قبل و از دهه هفتاد میلادی تا کنون عروج جریانات اسلامی با کارگردانی آمریکا، خونریزی و کشتار و ویرانی را در کشورهای منطقه یکی بعد از دیگری سازمان داده اند. تفاوت امروز شاید این است که داعش قساوت جریانات اسلامی را به حد اعلا رسانده و رقابت کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی در دوران تازه ای قرار است تعیین تکلیف شود.

دورانی که روسیه به عنوان يك قدرت جهانی وارد رقابت با آمریکا و دیگر قدرتها شده است. دورانی که دولتهای منطقه همانند گذشته گوش به فرمان آمریکا نیستند. دورانی که آمریکا در عراق شکست خورده و به اهدافش نرسیده است. دورانی که اروپا همانند دوران جنگ سرد سیاستهای دیکته شده آمریکا را چشم بسته نمیپذیرد. بنابر این

همه فاکتورهای فوق مربوط به این دوره هستند و هر کدام طبقات ویژه خود را دارند..

عروج روسیه به عنوان قدرتی جهانی و همراهی مستقیم و غیر مستقیم چین با او، شکست آمریکا در عراق و افغانستان در مقابل جریانات اسلامی تروریست خود ساخته، بی اعتمادی متحدین سنتی آمریکا در منطقه نسبت به این قدرت جهانی "فضای بازی برای رقابت قدرتهای دیگر بوجود آورده است. این رقابتها شباهت زیادی به دو ماراتون دارد. قرار است در میان انبوه شرکت کنندگان در این رقابت کثیف در نهایت جایگاه قدرتهای معینی تعیین کننده بشود و بقیه را حول خودشان مهار کنند. این همان تقسیم مجدد منطقه نفوذ است که دارد در این مسیر رقم میخورد و دخالت مستقیم قدرتهای جهانی و منطقه ای را ضروری کرده است..

بحرانی که عراق از سال ۹۱ میلادی و سوریه از سال ۲۰۱۱ با آن گرفتار شده اند اکنون به نقطه اوج خود رسیده است. این بحران ابتدا با نقشه هدفمند و آگاهانه آمریکا و متحدینش در عراق آغاز شد. هدف آمریکا از حمله به عراق این بود که بعد از پایان جهان دو قطبی به تنها قدرت امر و نهی کننده و ژاندارم جهان تبدیل بشود..

آمریکا برای رسیدن به این هدف سال ۲۰۰۳ رسماً کشور عراق را اشغال و صدام حسین را سرنگون کرد. آن دوره بوش به نیروی نجابتبخش در انتظار اپوزیسیون عراق تبدیل شد. در کردستان جریانات ناسونالیست کرد او را "عمو بوش" خطاب میکردند..

اگرچه در ابعاد جهانی بزرگترین تظاهراتهای میلیونی علیه حمله آمریکا به عراق سازمان داده شد اما دولتهای غرب به رهبری آمریکا حمله را آغاز کردند.. آغاز حمله و سرنگونی صدام حسین طبق برنامه از پیش طراحی شده آمریکا پیش رفت. اما بعد از مستقر شدن ارتش آمریکا در عراق، کنترل ادامه سناریوهای متعدد در عراق و کشورهای منطقه قدم به قدم از دست آمریکا خارج شد و این کشور را به جایی رساند که سال ۲۰۱۱ رسماً ناچار بشود نیروی نظامی خود را از عراق خارج کند. این خروج اجباری

از صفحه ۱ انسانیت بر توحش پیروز ...

سر بلند کرده اند و دارند میکشند و سر میبرند و وحشی گری و بیرحمی را به اوج خود رسانده اند. اما سوال اینست تا چه حد این جنبشهای کثیف به مردم این کشورها مربوط است؟ تا چه حد ریشه داعش و القاعده و جمهوری اسلامی و طالبان در ایران و افغانستان و عراق و سرریه است؟ فاکتها خواهد میگویند پشت همه این جریانات اسلامی يك دولت و یا چند دولت مترجع قرار دارند. مردم منشاء قدرت اینها نیستند. عقب ماندگی مردم نیست که اینها را خلق کرده است. بلکه رقابت دولتهای سرمایه داری این دیوهای خون آشام را ایجاد کرده است. مردم این کشورها بارها و بارها نشان داده اند که میخوانند متمدن و شاد و برابر و علمی زندگی کنند. در ایران وقتی علیه دیکتاتوری آریامهری انقلاب شروع شد سران دولتهای غربی نشستند و جمهوری اسلامی را در کنفرانس گوادالوپ طرحریزی کردند و بعد خمینی را از نجف برداشتند و به پاریس بردند و بی بی سی و صدای آمریکا و رادیو اسرائیل شروع به تبلیغات در مورد "امام خمینی" کردند و شد آنچه شد. طالبان را با پول آمریکا و سازماندهی سازمان اطلاعات پاکستان درست کردند و به افغانستان گسیل کردند. القاعده را هم همینطور. داعش را سیا درست کرد و شعبه ای از همان القاعده است که بعداً از آن جدا شد. و اکنون نیز ترکیه و عربستان داعش را نگه داشته اند و تلاش میکنند نگذارند شکست بخورد. ارتش ترکیه وقتی دید داعش زیر ضرب یگانهای کرد و مردمی است فوراً به سوریه و عراق لشکر کشی کرد. و الان هم مدام دارد جبهه ضد داعش را میکوبد. اگر این دولتها را از پشت این نیروهای اسلامی بردارید يك ماه دوام نمی آورند. اما بالاخره تکلیف ما مردم چیست؟ آیا باید مایوس شوم؟ آیا راهی برای خلاصی از شر این دولتها وجود دارد؟ بنظرم راهش نه سازش است نه خط میانه است نه سکوت است. باید محکم خط و سیاست ضد

اسلامی و انسانی و سوسیالیستی یعنی برابری طلبانه و آزادیخواهانه را تقویت کرد. باید محکم از حقوق انسانی دفاع کرد. باید آشکارا و بدون تخفیف علیه تاجر و مذهب حرف زد. باید دولتهای حامی تروریسم را افشا کرد. ما بسیاری، ما میلیونها نفریم. دنیا را باید روی سرشان خراب کرد. باید دولتهای حامی تروریسم اسلامی را زیر بمباران افشاگرها و تبلیغات انسانی قرار داد. شکافهایشان را باید برجسته کرد. ما مردم باید بدانیم و مطمئن باشیم که دوره دوره انسانیت است. دوره علم است. دوره برابری و آزادی است. تمام ابزارها و شرایط امروز برای دست یابی به زندگی انسانی وجود دارد. نیروهای ارتجاعی با دوره کنونی و با علم و پیشرفت کنونی خوانایی ندارند و باید گورشان را گم کنند. فقط اراده و سازمان و سیاست بی گذشت و مصممانه و روشن میخواهد که این را عملی کند. و خواهد کرد. ما ناچاریم از انسانیت دفاع کنیم. ما ناچاریم از انسان بودن خود دفاع کنیم و راه دیگری برای زنده ماندن نداریم اگر تردید کنیم تلفات بیشتری میدهیم. ولی باز به همینجایی میرسیم که الان هستیم یعنی شروع جنگ برای انسانیت و آزادی و برابری و دفاع از شیرازه اجتماعی. آنچه شاهدیم جنگ انسانیت با توحش است و بطور قطع مثل همیشه در تاریخ انسانیت به پیش خواهد رفت و نیروهای مترجع ضد عقل و ضد بشریت را کنار خواهد زد. صداهای پیشرو و رزمنده ای که از درون جامعه ایران و عراق و افغانستان و سوریه و جاهای دیگر در همین روزهای تاریک به گوش میرسد دارد این جهت را نشان میدهد. مردمی متمدن و تشنه همبستگی و پیشرفت و علم و آرامش که هر روز دارند به هر بهانه ای فریاد آزادی سر میدهند.

زنده باد انسانیت و تمدن و علم و رفاه و شادی

۱۴ دسامبر ۲۰۱۵

از صفحه ۲ بحران خاور میانه ...

طبیعت منطقه ای و جهانی برای آمریکا داشت. افول قدر قدرتی آمریکا از این مقطع آشکار شد زیرا تحولات منطقه طبق طرح و برنامه دلخواه زمامداران آمریکا برای شکل دادن به "خاور میانه بزرگ" پیش نرفت.

آمریکا ناچار شد در مقابل فشار غیر مستقیم رقبای خود و مخارج میلیاردی جنگ در عراق بعلاوه تلفات پی در پی نظامی ارتش این کشور بوسیله جریانات اسلامی در عراق، شکست اهدافی که به خاطر آن عراق را اشغال کرده بود بپذیرد. به دنبال آن بسیار طبیعی به نظر می رسید که نیروهای اسلامی قدرتمندتر بشوند. زیرا آمریکا را ناچار به قبول شکست کرده بودند.

عروج داعش یکی از نتایج شکست آمریکا در عراق بود.. بوجود آمدن "فضای باز" برای دولت‌های مرتجع منطقه مانند عربستان سعودی و دولت‌های حاشیه خلیج و دولت ترکیه و... یکی دیگر از پیامدهای این شکست بود. چرا که آنها متوجه شدند آمریکا دیگر آن قدرت و اتوریته دوران جنگ سرد را ندارد. اروپا هم مانند گذشته دنباله رو صرف آمریکا نیست. از این مقطع به بعد متحدان سنتی آمریکا در منطقه همان راهی را رفتند که کشورهای اروپایی قبلا با پایان جنگ سرد و شکست بلوک شرق آغاز کرده بودند.

در چنین فضا و تعادل قوای منطقه ای و بین المللی بود که بهار عربی هم آغاز شد.. انقلاباتی که در کشورهای عربی آغاز و بعدا به بهار عربی معروف شد، ابتدا در تونس و مصر مسیر درستی را طی کرد و در مدت کوتاهی توانست رژیم‌های دیکتاتوری دو دولت متحد غرب را سرنگون کند. اما هنگامیکه دامنه این انقلابات به کشورهای لیبی و سوریه رسید دچار دست انداز های جدی شد..

این دست اندازها و یا سدهای مقاومت حاکمیت در این دو کشور، با موانعی که مردم در تونس و مصر با آن مواجه بودند متفاوت بود. زیرا در تونس و مصر هنگامیکه غرب متوجه شد نمیتواند مبارک و بن علی را در حاکمیت نگهدارند توان و

امکان اینرا داشت که برای حفظ منافع درازمدت تر بورژوازی، ارتش را از پشتیبانی این دو دیکتاتور کنار بکشد و مردم آنها را سرنگون کردند. اما غرب و هیچ کشور دیگری این امکان را توان را نداشت که در ارتشهای نوع لیبی و سوریه اعمال نفوذ کند.

زیرا این دو دولت همانند صدام حسین و جمهوری اسلامی دولتهای "مستقلی" بودند که تابع هیچ کشوری نبودند. طبیعا ارتشها و نیروی مسلح آنها هم گوش به فرمان هیچ قدرتی نبودند. همین یک فاکتور آن چنان تعیین کننده بود که برای سرنگونی صدام حسین و قزافی ناچار به دخالت مستقیم نظامی شدند و برای سرنگونی اسد هم بعد از شکست انقلاب راهی بجز این نبود.. اما تجربه بعد از سرنگونی صدام حسین و قزافی دولتهای غربی را در لشکر کشی به سوریه محطت کرده بود.

در سوریه سیاست بینابینی را دنبال کردند، به امید اینکه بتوانند ارتش و دستگاه اداری حکومت را بدون اسد تحویل بگیرند. اما برعکس تصور و تحلیل دولتهای غربی ارتش اسد اگرچه تقریبا نصف شد، اما همچنان وفادار به اسد جنگ با مخالفین را ادامه داد..

این فاکتور "مستقل بودن" سیستم حکومتی و ارتش، برای سرنگونی و یا در قدرت ماندن آنها بسیار مهم و تعیین کننده بود. دولتهای غربی نتوانستند این امر مهم را در چهار کشور منطقه (صدام حسین، قزافی، اسد و جمهوری اسلامی) تشخیص بدهند و بر اساس آن سیاست اتخاذ کنند. به همین دلیل با مشکلات و پیچیدگیهایی مواجه شدند که قبلا نمیتوانستند تصوری از آن داشته باشند.

ناگفته نماند اپوزیسیون ایرانی هم کمترین شناخت و توجه به این مولفه دارد. همین عدم شناخت و عدم توجه یک نقطه ضعف مشترک همه اپوزیسیون چپ و راست ایران

است. زیرا تصور عمومی این است که جمهوری اسلامی با تظاهراتهایی مشابه انقلاب سال ۵۷ و یا چیزی شبیه انقلاب مصر و تونس سرنگون میشود. این تصور خام تقریبا همه گیر است.

واقعیت این است که سرنگونی این نوع حکومتها "مستقل" بسیار متفاوت است با سرنگونی دیکتاتورهایی از نوع شاه ایران و مبارک و بن علی. سرنوشت صدام حسین و قزافی و اسد پیچیدگی سرنگونی و تبعات بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی را بیشتر روشن میکنند.

۱. تحلیلگران سطحی و ژورنالیستهای خادم تا کنون خود را مشغول همان صورت مسئله ای کرده اند که این دولتها آنرا رسما اعلام نموده اند. در بهترین حالت کسانی تلاش کردند دلایل رشد داعش را تئوریزه کنند و راههای مقابله با رشد تروریسم نیروهای اسلامی "تند رو" را بیان کنند. این نوع تحلیلگران اشکال اصلی شان این نیست که تحلیشان سطحی و دور از واقعیت است، بلکه همیشه چند قدم از تحولات عقب هستند.

چنانچه قبلا در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۳ هم با وجود اینکه یکی دو سال از جنگ تروریستها در سوریه گذشته بود و تمام کشور سوریه به میدان جنگ و آوارگی مردم تبدیل شده بود و سناریوی به تمام معنا سیاه بر کشور حاکم شده بود، این نوع ژورنالیسم هنوز ادعا میکرد که نیروهای انقلابی در قالب کمیته های مستقل و ارتش آزاد و... علیه دیکتاتوری اسد میجنگند و شورای ملی سوریه و ارتش آزاد سوریه را امید مردم سوریه برای رهایی از دیکتاتوری و آزادی معرفی میکردند. فقط هنگامی پذیرفتند که جنگ داخلی جامعه سوریه را به ویرانه تبدیل کرده است که اوضاع چنان وخیم شد ابعاد تلفات مردم به صدها هزار نفر رسید و ابعاد آوارگی مردم از میلیونها گذشت.

از صفحه ۱ کارگران سه پتروشیمی در ...



کارگران را ممنوع اعلام کرده بود. اما کارگران با تجمعات پی در پی خود نشان دادند که مرعوب این اقدامات سرکوبگرانه نخواهند شد.

بدنبال بخشنامه استانداری ۶۰۰۰ کارگر پتروشیمی های ماهشهر و عسلویه در اقدامی متحد و یکپارچه به مدت پنج روز از ۱۴ تا ۱۸ آذر از خوردن غذای کارخانه خودداری کردند. قبل از آن نیز کارگران طوماری با امضای ۳۰۰۰ نفر تهیه کرده و به ارگان های مختلف دولتی از جمله

وزارت نفت ارسال کرده بودند. روز ۲۳ آذر ۱۵۰۰ نفر از کارگران واحدهای وابسته به مجتمع پتروشیمی هلدینگ خلیج فارس در محدوده اطراف محل کار خود زنجیره نیروی انسانی تشکیل دادند و دیروز و امروز شاهد سازماندهی زنجیره انسانی بودیم.

دادگستری خوزستان در بخشنامه ای اعلام کرده بود: "تجمع و اخلاص در نظم شرکت های پتروشیمی خلاف قانون و مقررات است و طبق قانون برخورد قضایی به عمل می آید." و در بخش پایانی این بخشنامه ذکر شده بود که: "از این تاریخ با هرگونه تجمع غیرقانونی و اخلاص در نظم شرکتها، برخورد خواهد شد."

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آذر ۱۳۹۴

۱۵ دسامبر ۲۰۱۵



زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

نگاه هفته مجموعه اخبار ...

مخالفت با آزادی
والی درودی

محل نگهداری مصطفی رشیدی در دست نمی‌باشد.

مردم مریوان به ویژه خانواده‌ها از فراخوان انجمن سبز چیا در گرمی داشت روز جهانی کوهستان، استقبال گسترده کردند.

بیش از ۸۰۰ نفر از فعالان مدنی و دوستداران محیط زیست در مریوان با راهپیمایی از میدان نوروز شهر به سمت قله ایمام، روز جهانی کوهستانی را پاس داشتند. در این راهپیمایی، شرکت‌کنندگان با جمع شدن به دور بنرهای حاوی شعارهای این مراسم که در حفاظت از کوهستان با شعار "در کوهستان چیزی برجای نگذاریم جز رد پای برف" و حمایت از کانی بل با شعار "سدسازی را متوقف کنید، مسئولین صدای مردم را بشنویید، کانی بل را غرق نکنید" بود، این روز را گرمی داشتند.

مرگ یک کارگر ساختمانی
در شهر سقز

کارگری ۴۴ ساله در سقز، به دلیل نبود وسایل و تجهیزات ایمنی دچار حادثه شده و از طبقه چهارم ساختمانی نیمه‌کاره سقوط کرده و جان خود را از دست داد. حادثه عصر چهارشنبه، ۲۲ آذر در محله "دانشگاه" روی داده و مرگ فوری "علی فرجی" را در پی داشته است. علی فرجی بیش از یک سال نگهدارنده ساختمان مورد نظر بوده و طی روزهای گذشته به کار ساختمانی در همان محل نیز مشغول بوده است. طی یک سال گذشته در شهر سقز، این سومین کارگر است که به دلیل نبود تجهیزات ایمنی لازم جان خود را از دست می‌دهد. براساس آمار پزشکی قانونی در سال گذشته، ۱۸۹۱ نفر در ایران بر اثر حوادث کار جان خود را از دست داده‌اند.

سال گذشته کمیسیون عفو و بخشودگی استان یزد برای زندانی سیاسی "والی درودی" درخواست عفو نموده بود، اما کمیسیون عفو و بخشودگی استان تهران با آن مخالفت کرده بود. والی درودی مدت بیست سال است که در زندان به سر می‌برد که ده سال از آن را در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه و مدت نه سال را در زندان یزد به سر برده است. والی درودی به اتهام همکاری با احزاب مخالف جمهوری اسلامی به حبس ابد محکوم شده است. والی درودی اهل روستای "چروسانه" از توابع شهرستان کامیاران می‌باشد و در سال ۱۳۷۵ خورشیدی از سوی نهادهای امنیتی حکومت جمهوری اسلامی ایران در استان کرمانشاه بازداشت شده است.

شلیک مستقیم گلوله توسط
نظامیان مستقر در مریوان موجب
قتل جمال راستخانه شد.

"نظامیان اداره موسوم به "کالا قاچاق" بی دلیل به خودرو جمال راستخانه تیراندازی نمودند که در نتیجه آن، نامبرده در دم جان باخته است. جمال راستخانه دارای همسر و ۲ فرزند می‌باشد و هر از گاهی با خرید و فروش اجناس وارداتی از مرز، برای خانواده‌اش امرار معاش می‌کرد.

دستگیری در ربط

اواخر هفته گذشته مأموران اداره اطلاعات "ربط" جوانی ۲۶ ساله به نام مصطفی رشیدی را بازداشت کردند. "طی چهار روز اخیر خانواده رشیدی به نهادهای امنیتی و قضایی در این شهر مراجعه کرده و جویای سرنوشت فرزندشان شده‌اند." علیرغم پیگیری مداوم در ادارات دولتی، هیچ خبری از وضعیت و

ناهد خداجو: حق جعفر عظیم
زاده و هیچ انسانی زندان نیست!

جعفر عظیم زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و یکی از فعالین و رهبران جنبش کارگری را به اتهامات واهی از قرار اجتماع وتبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی و برهم زدن نظم عمومی و نیز تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی به ۶ سال حبس و ۲ سال محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی و صنفی سیاسی محکوم کردند که در روز ۱۷ آبان ۹۴ برای گذراندن حبس راهی زندان شد. راستش نمیدانم به کدامیک از اتهاماتی که به جعفر نسبت داده شده اشاره کنم چون هر چه بیشتر اتهامات و مصادیقشان را مرور میکنم بیشتر به واقعیت‌های باورنکردنی که در ادامه به آن می‌پردازم پی میبرم. واقعیت‌های تلخ پیش روی جامعه از قبیل بیکاری، فقر، اخراج سازبها، حقوقهای معوقه دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، قراردادهای سفیدامضاء، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی درمانی مناسب، وقوع حوادث ناشی از کار، نداشتن بیمه بیکاری و نهایتاً به گروگرفتن معیشت انسانها واقعیت‌های انکار ناپذیری است که روزمره هزاران هزار خانواده کارگری را به لب پرتگاه سوق داده و پیامدها و تبعات اجتماعی آن از جمله: اعتیاد، طلاق، کودکان کار، فحشاء، فروش نوزادان، بی خانمانی، کلیه فروشی و خودکشی و مسائلی از این قبیل برای همان خیل عظیم (طبقه کارگر) را به ارمغان آورده است. این طبقه بزرگ اجتماعی که تمام امکانات و رفاهیات و نعمات موجود در جامعه را تولید میکنند محروم از بهره مندی از تولیدات خود هستند. در چنین شرایطی است که ادامه چنین زندگی مشقت باری برای کارگران غیر ممکن میشود و مدام بدنبال راه چاره‌ای برای برون رفت از این شرایط میباشد. دقیقاً در همین راستا است که کارگران برای تغییر وضعیت غیرقابل تحمل خود با ایجاد تشکلات کارگری مستقل بعنوان ظرفی که بتوانند وضعیت معیشتی خود را بهبود ببخشند و از آن طریق به حق و حقوق تزییع شده شان برسند اقدام میکنند. "اتحادیه آزاد کارگران ایران" هم در پاسخ به این ضرورت تشکیل شد و تمام فعالیت‌های "اتحادیه" از قبیل جمع اوری امضاء

در اعتراض به حداقل دستمزدها و تجمعات در مقابل مجلس و وزارت کار و ارتباط گیری با دیگر تشکلات کارگری همچون کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلات کارگری سندیکای شرکت واحد و سندیکای هفت تپه و کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلات کارگری و نامه اعتراضی به وزیر کار بدلیل عدم توجه و پاسخگویی به طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران و شرکت در روز جهانی کارگر (که در همه جای جهان مراسم مستقلی از طرف کارگران در گرامیداشت این روز برپا است اما در ایران کارگر به خاطر برگزاری مراسم روز جهانی کارگر باید به زندان برود) و عناوین دیگری که در متن حکم آمده تماماً "فعالیت‌های صنفی و تلاش‌های طبیعی و حق طلبانه کارگران است که در پاسخ به تعرض مستمر کارفرمایان و صاحبان سرمایه به زندگی و معیشت کارگران بطور روشن و علنی صورت گرفته و حداقل مطالبات و سهم کارگران ایران از زندگی در شرایط کنونی است. و اما آخرین و مضحک ترین مصداق اتهام جعفر عظیم زاده این است که نامبرده در اوایل انقلاب تحت تاثیر فردی بنام قادر مظاهری در روستای شوط از توابع شهرستان ماکو، مارکسیست بدنیا آمده است. راستش تا به حال کسی با چنین اتهامی روبرو نشده بود. نه شنیده و نه دیده بودم که کسی از بدو تولدش مارکسیست بدنیا آمده باشد. از آنجائیکه آقایان برای موجه جلوه دادن ۶ سال حکم ناعادلانه به جعفر به زمین و زمان متوسل شده تا بلکه بتوانند به حکم مثلاً "و جهات قانونی بدهند بنده ترجیح میدهم چیزی نگویم و تفسیرش را به افکار عمومی بسپارم. تمام مصداق و اتهاماتی که من گذرا به ان اشاره کردم هیچ مورد غیر قانونی مشاهده نمیشود که بتوان با آنها انسانی را به ۶ سال حبس محکوم کرد. در واقع چیزی که مد نظر سرمایه و حامیانش میباشد اینست که شما حداقل حقوقتان چند برابر زیر خط فقر باشد چند ماه به چند ماه همان حقوق تعریف شده را هم نگیرید، اخراج سازی در ابعاد وسیع باشد تا جائیکه زندگی و هستی تان ساقط شود، اما شما حق هیچ گونه

اعتراض، تجمع و یا اعتصابی ندارید. باید سکوت کنید. صحبت اینجاست اگر کارگران در بستری طبیعی حق و حقوقشان به رسمیت شناخته میشود و بطور معمول در مقابل کارشان مزدشان را دریافت میکردند دیگر اعتراضات به این ابعاد گسترده و وسیع رخ نمیداد. طی این سالها در هر کجا چه در کارخانه چه در تجمعات بیرون از کارخانه و چه از طریق تشکلات کارگری اگر تجمعی اعتراضی و یا اعتصابی بر علیه زندگی مشقت باری که برای میلیونها کارگری که زندگیشان به فلاکت رسیده و پایانی هم ندارد شکل گرفته، تحت عناوین "اقدام علیه امنیت ملی" و "برهم زدن نظم عمومی" و نهایتاً "تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" به کارگران تعرض کرده و آنها را با تهدید به دستگیری و زندان عقب رانده اند. این عناوین بظاهرقانونی به ابزاری برای سرکوب و ساکت کردن کارگران در مبارزات صنفی شان تبدیل شده!! جعفر عظیم زاده هم مستثنی از این قاعده نیست او کارگر جوشکار لوله‌های گاز، مشمول همین شرایط فلاکت بار موجود میباشد. جعفر هم همچون کارگران دیگر با شرایط سخت و مشقت باری زندگی میکند. چنین انسان شریفی تمام تلاشش این بود که بتواند زندگی خود و هم طبقه‌ای هایش را که درد مشترکی دارند بگونه‌ای بهبود بخشد که در شان انسان معاصر باشد. چرا که کارگران يك زندگی انسانی و مرفه مطابق با معیارها و استانداردهای امروزی را حق طبیعی خود میدانند. جعفر یکی از شش نفری بود که برای جمع اوری طومار چهل هزار امضاء کارگران در اعتراض به حداقل دستمزدها و سایر مطالبات کارگری تلاش کرد. و نیز یکی از شاکیان پرونده تامین اجتماعی مرتبط با پرونده سعید مرتضوی و دیگرانی بود که با همدستی مرتضوی ها صندوق تامین اجتماعی را که نتیجه سالها کار و زحمت و اندوخته میلیونها کارگر بوده و هیچ ربطی به مرتضوی ها نداشته تا در زمان بازنشستگی بتوانند از آن استفا ده کنند را به تاراج بردند. چنین تعرض و دستبرد به این صندوق بازنشستگی هیچوقت به عنوان جرمی که امنیت ملی را بخاطر

نگاه هفته مجموعه اخبار ...

از صفحه ۴

از صفحه ۱ رفتار با صدرا چهار ساله نمونه ای ...



اکثریت مردمی که توان پرداخت هزینه معالجه را ندارند نمیگویند.

تمام تمرکز رسانه ها و مقامات حکومت متوجه پزشک و پرستار خاصی شده است. پزشک و پرستار را علم کرده اند تا حکومت کثیف شان را از زیر ضرب و خشم مردم نجات بدهند. اما مردم عاملین واقعی این جنایت را میشناسند. مردم به درست حکومتی را که پزشک را وادار میکنند به جای معالجه چشم بیماران، چشم سالم یک انسان را کور کند و از حدقه در آورد و بجای معالجه دست آترا قطع کند، عامل این فاجعه میدانند. مردم نظامی را که کوچکترین حقی برای معالجه مردم قائل نیست عامل این فاجعه و هزاران فاجعه پزشکی دیگر میدانند. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کارگر بودن جرم است. مادر صدرا پرستار سالمندان و پدرش راننده تاکسی هستند. هر دو کار میکنند اما توان یک معالجه ساده را ندارند. هر دو بخشی از درآمد ناچیزشان را به عنوان بیمه به سازمان تامین اجتماعی میپردازند اما موقع نیاز به مداوا اینچنین با بیرحمی مواجه میشوند. چرا که بیمه ای که میپردازند صرف مفتخوری و دزدی مقامات سازمان تامین اجتماعی امثال مرتضی میشود. حق کارگر و زحمتکش در نظام اسلامی همینقدر است. ارزش جان مردم برای این

اخلاق پزشکی و بی احترامی به حقوق یک بیمار صحبت میکنند و میگویند هیچیک از کادر درمانی حق چنین کاری نداشته اند. اما نه مقامات و نه رسانه های جیره خوار حکومت هیچکدام یک کلمه از هزینه های کمر شکن درمان و بیمارستان حرف نمیزنند. یک کلمه از علل و زمینه این عمل تکان دهنده و جنایتکارانه صحبت نمیکنند. هیچکدام نمیگویند که چرا چنین رفتاری با یک بیمار آنهم یک کودک فقط در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اتفاق می افتد. هیچکدام نمیگویند که چه شرایطی پزشک و پرستار را به چنین رفتار ضد انسانی واداشته است. هیچکدام از نمونه های بیشمار که قبلا در خود رسانه های حکومتی مبنی بر رها کردن بیمار در بیابان بدلیل عدم توان پرداخت هزینه معالجه منتشر شده، حرف نمیزنند. هیچکدام از هزاران مورد بیماری که بدلیل نداشتن هزینه، بدون معالجه از بیمارستان های جمهوری اسلامی رانده شده اند، لام تا کام حرفی نمیزنند. هیچکدام نمیگویند تکلیف بیماری که توان پرداخت هزینه معالجه را ندارد چیست. منشور حقوق بیمار را به خیال خود منتشر کرده اند که بگویند در جمهوری اسلامی بیمار چه حقوق بالایی دارد، اما این منشور نیز کوچکترین چیزی درمورد حق معالجه

نمی ترسد. جعفر عظیم زاده کارگر آگاه و فعال را به ۶ سال حبس محکوم کرده اند تا شاید بتوانند از طریق محکوم کردن فعالینی چون جعفر جنبش کارگری را عقب رانده تا با خیال راحت تر سود آوری سرمایه را تضمین کرده باشند. سالهای سال است فعالین کارگری را تحت عنوان بخطر انداختن امنیت ملی و برهم زدن نظم عمومی دستگیر و به زندان محکوم کرده اند. اما این کارگران آگاه و مبارز در متن مبارزات و فعالیتهای اعتراضی کارگران، درحقیقت امنیت سرمایه را بخطر انداخته و در نظم استثمارگرانه سرمایه اخلاص میکنند. این قبیل احکام بعنوان وسیله و ابزاری بر علیه مبارزات حق طلبانه کارگران و برای خاموش کردن آنان بکار میرود تا شاید به خیالشان بتوانند جرات و جسارت و اراده حق طلبی را از طبقه کارگر بگیرند. اما به گواه تاریخ چندصدساله جنبش کارگری جهان با همه فراز و نشیب هایش، کارگران از سطح زندگی و معیشت خود همواره دفاع خواهند کرد. جعفر عظیم زاده و سایر کارگران زندانی که جرمی جز تلاش برای بهبود شرایط زندگی و دفاع از مطالبات کارگران نداشته اند باید بی قید و شرط آزاد شوند.

۱۷ آذر ۹۴

نداخته یا نظم جامعه را برهم زده محسوب نشد. اما اگر کارگران خواهان افزایش حداقل دستمزدها که به اعتبار آن بتوانند زندگی انسانی داشته باشند و خواهان متوقف شدن اخراج سازه ها و حقوق های معوقه شان باشند و یا بگویند چرا صندوق تامین اجتماعی که متعلق به ما میباشد را غارت کرده اید و یا جمعی را برای پاسخ گرفتن به ارائه طومار چهار هزار نفری کارگران به اعتراض به حداقل دستمزدها را داشته باشیم بلافاصله نیروهای امنیتی و انتظامی قبیل از حضور نماینده کارفرما ویا هر مسئول دیگری در محل تجمع و اعتراض حاضر شده و در مقابل اعتراض و تجمع کارگران صف آرا یی کرده و به حمایت از کارفرما کارگران را تهدید به اخراج و دستگیری و زندان میکنند. واقعا چه کسانی نظم جامعه و امنیت ملی را به قول اقایان بخطر می اندازند؟! تهدید و فشار و زندانی کردن کارگران و جلوگیری از تجمع و اعتراضشان و بکارگیری شیوه ها و اتهامات امنیتی نمیتوانند جلو اعتراضات و اعتصاب موجود در جامعه را بگیرند بلکه جامعه با وجود ادامه چنین شرایطی شاهد اوج گیری تجمعات و اعتصابات خواهد بود چرا که شکم گرسنه از تهدید و زندان

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

حکومت و مفتخوران و جنایتکارانش در مجلس و دولت و بیت رهبری همینقدر است.

نظام غیر بهداشتی، غیر انسانی و فاسد و تبعیض آمیز پزشکی در ایران، باید زیر و رو شود. طب باید تماما رایگان شود. مقامات بیمارستان ها باید توسط کادر درمانی و کارمندان بیمارستان ها باید از حق متشکل شدن و اعتراض و اعتصاب برخوردار شوند تا بتوانند رفتار بیرحمانه ای که با خانواده های فقیر و زحمتکش میشود را در هم بشکنند.

امروز باید پرچم طب رایگان در تمام سطوح و برای عموم مردم را بالا برد. این خواست را باید در اعتراضات کارگران و دانشجویان و در هر شهر و محله ای به یک خواست عمومی و سراسری تبدیل کرد. کارکنان شریف و آزاده بیمارستان ها از پرستاران و پزشکان و سایر کارکنان بیمارستان ها در افشا و محکوم کردن قوانین نظام پزشکی و رفتاری که با بیماران فقیر میشود، سهم مهمی دارند.

اکنون که جمهوری اسلامی و سیستم پزشکی اش بیش از پیش بی آبرو شده و مقامات خودشان را تحت فشار میبینند، زمینه برای عقب راندن آنها بیش از گذشته فراهم شده است. این حکومت فقط و فقط شایسته به زیر کشیدن است و جای مقاماتش در دادگاه است. این اتفاق بر ضرورت تشدید مبارزه برای سرنگونی این حکومت تاکید صد چندان میکند. حکومتی که برای جان انسانها در نظام پزشکی و سیستم قضائی و در کل سیاستهای ارزشی قائل نیست باید بزیر کشیده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ آذر ۱۳۹۴
۹ دسامبر ۲۰۱۵

**زندگی شاد، ایمن و خلاق
حق مسلم کودکان است!**

امکانات پزشکی،

ویزیت و رسیدگی فوری به مریض باید رایگان باشد.

از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

و دست نکشیدن او از قدرت در حالی که مهلت ریاستش به پایان رسیده بود در ۱۹ ماه آگوست آغاز شد و بعد در ماه سپتامبر احزاب حاکم با اعتراضات کوبنده مردم علیه دزدی و چپاول روبرو شدند. حزب دمکرات که مقرهای آن در چندین منطقه مورد تعرض مردم واقع شد، علیه مردم معترض دست به اسلحه برد و دهها نفر از تظاهر کنندگان را کشته و زخمی کردند، پس از آن حزب دمکرات به بهانه دست داشتن جنبش گوران در اعتراضات، خود سرانه رئیس پارلمان و چهار نماینده پارلمانی گوران را از کار برکنار کرد و از ورود آنها به اربیل جلوگیری کرد. احزاب حاکم و دولت کارتنی شان چندین ماه است در تلاشند که اوضاع را به قبل از اعتراضات ماه سپتامبر برگردانند، اما حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی ظاهراً حاضر به کوتاه آمدن در مقابل رقیبان خود نمی باشد و به همین خاطر اکنون این عضو رهبریشان، دولت قومی مذهبی خودشان را دولتی شکست خورده اعلام می کند.

ریاست اقلیم بخش کوچکی از بحران حاکمیت در اقلیم کردستان است!

روز نهم دسامبر برهم صالح معاون دوم اتحادیه میهنی کردستان عراق در گفتگو با کانال سکای نیوز عربی در باره اختلافات احزاب حاکم و بحران اقلیم کردستان گفت: "مسئله ریاست اقلیم بخش کوچکی از بحران حاکمیت در اقلیم کردستان است". در این مصاحبه برهم صالح از مسعود بارزانی بعنوان ریاست اقلیم دفاع کرد و همچنین از ورود نیروهای ترکیه به عراق انتقاد کرد. برهم صالح در باره بحران حاکمیت به مسئله دو اداره ای اقلیم و جدا بودن نیروهای امنیتی و سیاسی پرداخت و آنرا بعنوان بحران اصلیت

حاکمیت نام برد. لازم به ذکر است که برهم صالح گرچه بخوبی بحران حاکمیت احزاب ناسیونالیست و مذهبی را دریافته و آنرا در بحران رهبری و دو اداره بودن اقلیم خلاصه می کند، اما همگان می دانند که یک دلیل اصلی و مهم بحران کنونی اعتراض وسیع مردم به حاکمیت مشتی دزد و چپاولگر بر اقلیم کردستان است حاکمیت ۲۴ ساله این احزاب بجز فقر و فلاکت، جنگ و بیکاری برای توده مردم عاصی از وضع موجود چیزی به ارمان نیاورده است.

کارگر دیگری در حین کار جانباخت!

روز ۱۳ دسامبر در شهر اربیل کارگر ۲۷ ساله ای به اسم هه فال مصطفی حمزه در حین کار بر اثر گرفتگی برق جانش را از دست داد. روز هشتم دسامبر نیز باز در شهر اربیل دو کارگر در حین کار جانشان را از دست می دهند. اقلیم کردستان تحت حاکمیت احزاب قومی مذهبی از طرفی مکانی برای دزدی و چپاول سرمایه داران و سودهای باد آورده آنها و از طرفی مکانی نا امن برای کارگران و مردم کارکن آن جامعه است که روزی نیست تعدادی از کارگران بخاطر سودجویی سرمایه داران و نبود امنیت محیط کار جانشان را از دست ندهند.

تجاوز عضو رهبری جنبش اسلامی به یک دختر ۱۸ ساله!

بر اساس گزارش دبلی تلگراف، احسان علی عبدالعزیز عضو رهبری و مسئول روابط خارجی جنبش اسلامی کردستان به جرم تجاوز به یک دختر ۱۸ ساله در انگلیس به دادگاه کشیده شده. گزارش دبلی تلگراف می افزاید که این اتفاق در هشتم آگوست ۲۰۱۴ روی داده است و دختری که مورد تجاوز قرار گرفته، ادعا می کند که او بدون رضایت خود توسط این عضو

رهبری جنبش اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته. لازم به ذکر است که جنبش اسلامی یکی از پنج حزب تشکیل دهنده دولت کارتنی اقلیم کردستان است و احسان این متهم به تجاوز یکی از میلیونرها و دزدان شریک حاکمیت این دولت است که سالها است تلاش می کنند که سایه شوم اسلام و قوانین کثیف آن را نیز بر اقلیم کردستان بگسترانند.

نگینده های ترکیه بار دیگر مناطق اقلیم کردستان را بمباران کردند!

شب یازده دسامبر بار دیگر نگینده های ترکیه مناطقی از اقلیم کردستان را بمباران کردند. بر اساس گزارشهای منتشر شده نیروهای ترکیه مناطق برورای بالا، گاره و متین را بمباران کردند و خسارتی به مردم منطقه وارد کردند. لازم به ذکر است که نیروهای سرکوبگر دولت ترکیه هر از گاهی به بهانه حضور نیروهای پک ک مناطق اقلیم کردستان را بمباران می کنند و بدلیل روابط حسنه حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی با دولت ترکیه هیچگاه به سرکوبگرهای دولت فاشیست ترکیه در خاک اقلیم کردستان کوچکترین اعتراضی نمی شود.

اتحادیه میهنی از پارلمان عراق خواست که پک ک را برسمیت بشناسد!

روز ۱۳ دسامبر نالا طالبانی رئیس فراکسیون اتحادیه میهنی در پارلمان عراق از رئیس پارلمان و وزیر دفاع عراق خواست که دولت عراق حزب کارگران کردستان ترکیه (پک ک) را بعنوان نیروی سیاسی اپوزیسیون رژیم ترکیه را برسمیت بشناسد. لازم به ذکر است که دولت عراق هنوز پک ک را بعنوان یک نیروی سیاسی برسمیت نمی شناسد و هیچ رابطه ای با این حزب ندارد.

از صفحه ۱ بدنم را زیر لگد و شکنجه ...

ولی هیچ گاه مزدوران موفق به زانو درآوردن ما نشدند. زنی زحمتکش که حتی به فرزندانش رحم نکردند فرزندم را جلوی چشمانم کتک زدند و غرور آنها را خورد کردند و به آنها بی احترامی و بی حرمتی و حتی دست درازی کردند و دختر حامله ام را هم کتک زدند، که موجب ترس و وحشت فرزندانش شده.

من کارگری بی مزد و زندانی سیاسی که کتک و شکنجه و تحقیر را در سیاه چالهای جمهوری اسلامی با چشم های بسته با تمام سلول های بدنم تجربه کردم و ظلم و ستم و نابرابری و تحقیر را احساس کردم. بدنم را زیر لگد و شکنجه خورد کردند اما من برای رسیدن به آزادی و دنیای بهتر مصمم تر و محکمتر شدم و هرگز تسلیم نشدم و تا رسیدن به آرمان های انسانی از پای نخواهم نشست.

من از تک تک شما انسان های آزادیخواه و چپ از صمیم قلب تشکر و قدر دانی میکنم که صدای من و دیگر کارگران در بند و حتی ناله فرزندانشم و دیگر بچه ها را به گوش جهانیان می رسانید نهایت تشکر رو دارم و دستانتان را به گرمی میفشارم. من در خانواده ای سیاسی بزرگ شدم و در همان بچگی مردسالاری و نابرابری را در جامعه درک کردم. از همان بچگی مبارزات را از پدرم آموخته بودم و اوائل نوجوانیم در سال های ۵۹ و ۶۰ پا

به پای پدر عزیز و مبارزم و برادر جانباخته ام و دیگر آزادیخواهان در شهر سنندج مبارزات رو آغاز کردم. و در این راه هرگز از شکنجه و تهدید های مزدوران نهراسیدم و از هیچ کمکی دریغ نکردم. از این که زن خانه دار باشم خوشنود نبودم و

ولی هیچ گاه مزدوران موفق به زانو درآوردن ما نشدند. زنی زحمتکش که حتی به فرزندانش رحم نکردند فرزندم را جلوی چشمانم کتک زدند و غرور آنها را خورد کردند و به آنها بی احترامی و بی حرمتی و حتی دست درازی کردند و دختر حامله ام را هم کتک زدند، که موجب ترس و وحشت فرزندانش شده.

از صفحه فیسبوک نشریه ایسکرا دیدن کنید
<https://www.facebook.com/iskara.wpi/>



تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com



سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!